

بررسی موانع استناد به قاعده غرور و تحلیلی بر دلایل و مبانی اعتبار قاعده غرور

دکتر بهنام اسدی^۱

مدیر عامل و صاحب امتیاز موسسه قانون یار

استاد دانشگاه

چکیده

با اندک نگاهی به مطالب نوشته شده در منابع مختلف راجع به قاعده غرور می توان گفت که بین مفهوم لغوی با مفهوم اصطلاحی غرور فاصله چندانی وجود ندارد و هر دو تا اندازه ای با هم یکی هستند. یکی از عوامل موثر در ایجاد مسئولیت، فریب دادن است بدین معنا که اگر شخصی دیگری را فریب دهد یا از کسی گول بخورد که در این صورت برای فریب دهنده مسوولیت ایجاد می شود در این بین از عناوین مختلفی چون غار^۲ (فریب دهنده) یا مغرور (فریب خورده) یا غرور استفاده شده است که هر یک معنای خاص خود را دارد. البته در این راستا در برخی موارد موانع استناد به قاعده غرور وجود دارد که در این موارد نمی توان به قاعده غرور استناد کرد. در این راستا در بخش اول این مقاله به بررسی و تفسیر این موارد خواهیم پرداخت. البته لازم به ذکر است متأسفانه ابهامات در زمینه دلایل و مبانی اعتبار قاعده غرور فراوان بوده است که از جانب مولفان و محققان کمتر به این ابهامات پرداخته شده یا

^۱ مولف ۴۵ کتاب پژوهشی و نویسنده بیش از صد مقاله علمی تا سال ۱۳۹۹

آدرس پست الکترونیکی نویسنده: Drbehnamasadi@yahoo.com شماره تماس: ۵۲۶ و ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹

اینکه اصلاً از کنار این ابهامات به راحتی گذشته اند و بنابراین لازم است که این ابهامات برطرف گردد تا راه برای جستجوگران حقیقت و عدالت هموار گردد. بحث و تحقیق در ادله قاعده مغرور از مهمترین مباحث این قاعده خواهد بود دلیل این گفته این است که علاوه بر اینکه حجیت و اعتبار قاعده به ادله بستگی دارد، تعیین قلمرو و شرایط لازم در اجراء آن نیز از ادله استنباط می شود کلمات فقهاء نیز در باره بیان ادله قاعده، گوناگون است. برای اثبات قاعده غرور در متون فقهی و آثاری که در زمینه قواعد فقهی نوشته شده است شش دلیل کلی ذکر گردیده که در بخش پایانی این مقاله تفصیلاً این دلایل بررسی و توضیح داده خواهد شد. این دلایل و مستندات عبارتند از: ۱- سنت ۲- بنای عقلاء ۳- اجماع ۴- روایات خاص ۵- قاعده تسبیب ۶- قاعده لاضرر.

واژگان کلیدی: قاعده غرور، قاعده لاضرر، شخص مغرور، تدلیس و فریب، روایات فقهی، اجماع

بخش اول: مفاهیم و کلیات

اصطلاح غرر جدا از معنای لغوی آن نیست. شیخ به نقل از نهاییه تعریف فرموده: غرر آن چیزی است که ظاهری دارد که مشتری را فریب داده و باطنی پنهان و مجهول دارد «هو ما كان له ظاهر يغرالمشتری وباطن مجهول» وی به نقل از ازهری می نویسد «بیع الغرر ما كان علی غیر عهده و لا ثقة» دقت در تعریف اول ما را متوجه این نکته می کند که «ما» موصول و عام است. به شمولش دربر می گیرد هر اقدام فریبنده ای را خواه فعل باشد یا کلام یا کتمان و اخفاء. دکتر ابوالحسن محمدی غرر را چنین تعریف نموده است: عبارت است از آنکه مبیع یا ثمن در بیع و عوض یا معوض در هر معامله معاوضی در معرض خطر باشد یعنی احتمال نابودی آن عرفاً و عادتاً برود.^۱ دکتر سیدمصطفی محقق داماد نیز چنین